

## به نام خدا

### مطالعات ایرانی و هویت فرهنگی

هویت اصطلاحی است که در دستگاه‌ها و مکاتب گوناگون فکری و اندیشگی دارای معانی مختلف است و از این رو، در هر مکتب فکری بنا به اهداف آن، دارای مؤلفه‌هایی متفاوت و خاص خود می‌شود. آنچه در مجله مطالعات ایرانی از این اصطلاح پر معنا که با ویژگی‌های منشوروار خود، با هر نگاه و از هر زاویه دید، ویژگی‌هایی را باز می‌تاباند که به هنگام نگاه از زاویه‌های دید دیگر پنهان می‌ماند، اراده می‌شود، بیشتر جنبه فلسفی و جامعه‌شناسانه دارد. از این چشم‌انداز هویت مجموعه مشخصه‌هایی است که سبب تمایز یک ملت را از ملت‌های دیگر، هم در مؤلفه‌های مشترک و هم در مؤلفه‌های منحصر به فرد، فراهم می‌سازد. طبیعتاً ایرانیان از گذشته‌های دور که بی‌اغراق به پیش از تاریخ و قبل از اختراع خط برمی‌گردد، برای خود هویتی ایجاد کرده‌اند که به آنان در میان ملت‌های اطرافشان برجستگی‌هایی بخشیده و آنان را از دیگران متمایز ساخته است. گذشته از هویت‌های سه‌گانه نژادی، جغرافیایی و تاریخی، شاهد یک عنصر هویتی ساری و جاری در همه گونه‌های فرعی هویت و همه مکان‌ها و زمان‌های پرفراز و فرود سرزمین خود هستیم که از آن با عنوان «هویت فرهنگی» یاد می‌کنیم. اگر بتوانیم گونه‌های دیگر هویت و عناصر به وجود آورنده آن‌ها را وابسته به زمان و مکان و نیز پدیدار آمده از جبر زمان، محیط و نژاد قلمداد کنیم که خارج از اراده هریک از ما، به ما هویت ایرانی داده و مایه‌های تمایز ما را از هویت‌های همجواریان فراهم ساخته است، می‌توانیم به یک هویت خودخواسته و خودساخته نیز قایل شویم که در سایه تلاش‌های فکری، هنری و علمی قوم ایرانی به مرور ایام و با گذشت روزگاران فراهم شده است.

در توضیح مطلب اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که فکر، هنر و علم از ویژگی‌های مشترک همه اقوام در همه زمان‌ها و مکان‌هاست، اما در عین حال برخی از ملت‌ها، از جمله ملت بزرگ ایران، در این سه حوزه حیات معنوی پیشگام و آغازگرند و بسیاری از ملت‌ها پیرو و مقلدند. جالب این که این سه حوزه در میان ایرانیان با زبان فارسی پیوندهایی همه‌جانبه دارد و اگر زبان فارسی وجود نداشت، بسیاری از آن‌ها شکل نمی‌گرفت یا دوام نمی‌یافت. گویا زبان فارسی به منزله آشیانه و منزلی شکوهمند است که این مؤلفه‌ها در آن سکن می‌گزینند و جلوه‌گری توأم با دلربایی می‌نمایند. بی‌جهت نیست که استاد فقید دکتر حسین خطیبی در وصف زبان فارسی این‌گونه شوریده‌وار و عاشقانه سروده است:

از زبان پارسی گویم نخست  
این زبان سرمایه‌ی فرهنگ توس  
ای زبان پارسی افسون‌گری  
هرچه گویم از تو، زان، افزون‌تری

|                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| این صدای توست کاندرا گوش ماست | می‌شناسم من، صدایی آشناست   |
| بانگ او و بانگی از فرهنگ توست | این صدای پای پیش آهنگ توست  |
| ای زبان پارسی، ای بی‌کران     | ای بزرگ و پهن، همچون آسمان  |
| ریزه‌خوار خوان یغمای توام     | جرعه‌نوش جام صهبای توام     |
| ای زبان پارسی، در کار باش     | ره‌گشای راه ناهموار باش     |
| لفظ پردازی و معنی آفرین       | در عذوبت، لفظ با معنی قرین  |
| با تو بتوان گفت بی‌سط و گسست  | با اشارت یا کنایت، هرچه هست |

تحلیل هویت فرهنگی سرزمین مقدس ایران اسلامی و نشان دادن زمینه‌های هویت فکری، هنری و علمی ایرانیان یکی از اهداف و وظایف مهم و بنیادی در روزگار ماست، به گونه‌ای که گاه به نظر می‌رسد حفظ هویت فرهنگی ایران و نشان دادن جریان‌های اصیل هویتی و فرهنگی خود که همانند نسیمی خوشگوار در میان اقوام و ملل دیگر نفوذ کرده است، هم‌پا و حتی بیش از حفظ مرزهای جغرافیایی و استقلال سیاسی اهمیت دارد. امروز هویت فرهنگی ما مورد هجوم و غارت بسیاری از ملت‌های بی‌تاریخ و بی‌ریشه هویتی، یا صاحب هویت‌های تاریخی و فرهنگی متفاوت، قرار گرفته است و بی‌شرمانه، به دلایل واهی و با ادعاهای پوچ، بخش‌های مهمی از زمینه‌های هنری، فلسفی، تاریخی، ادبی، علمی و حتی سرزمینی ما را به نام خود به جهانیان معرفی می‌کنند. بی‌اعتنایی به این غارت‌گری‌ها، زمینه غارت‌گری سرزمینی ما را فراهم خواهد ساخت. در سایه چنین غارت‌هایی است که صاحبان زر و زور و تزویر با هزینه کردن دست و دل‌بازانه درآمدهای نفتی و توریستی و با به خدمت گرفتن دانشمندان قلم‌فروشی که آگاهانه با تحریف‌های ظریف تاریخی، افتخارات ایرانیان را به نام کشورهای بی‌ریشه در خلیج فارس به ثبت می‌رسانند، بلایی بر جان ما شده که به تدریج، خدایی ناکرده، زمینه‌های تغییر مرزهای جغرافیایی را فراهم می‌سازد و کاری می‌کند که نباید و سرنوشتی را برای ما رقم می‌زند که نشاید.

مجله مطالعات ایرانی برای تبیین دقیق هویت فرهنگی مردمان نژاده و آزاده ایران و تحلیل جنبه‌های مختلف آن، از همه صاحب‌نظران و اندیشمندان بزرگوار تقاضای یاری بیش از پیش دارد و دست همه پژوهشگران عزیز را به گرمی می‌فشارد و با کمال صداقت و افتخار می‌گوید:

چو ایران نباشد تن من مباد

محمد رضا صرفی